



## ریا؛ نشانه‌ها و راهکار درمان

**شیشه**: **ریا چیست؟** **من مدتی هست احساس می‌کنم ریاکار شده‌ام و نفاق در درون من رخنه کرده است!** **وقتی می‌خواهم کار خوبی انجام دهم مدام این فکر می‌آید که برای دیگران است و اگر انجام دهم آنها خوشحال می‌شوند، یا اگر دیگران پس از انجام کار خوب مرا تشویق کنند خوشحال می‌شوم!** **احساس می‌کنم برای خدا نبوده است!** **به نظر تان برای درمان ریا چه باید کرد؟**

**یاسنج**: ریا و خودنمایی یکی از مسائل مهم در اخلاق بندگی و عبودیت است که بسیاری از مردم درگیر آن هستند و برای پیشرفت در امور معنوی دوری از آن لازم است. شیطان نیز از توهم ریا برای دور کردن بندگان از عبادت زیاد استفاده می‌کند. به همین دلیل لازم است که در مورد آن توضیح و تبیین بیشتری صورت گیرد.

<p><b>آنچه مسلم است و اثرات فقهی مانند صحت و بطلان نماز دارد، ریا در عبادات است؛ ریا در بقیه امور ممکن است کار را بی‌ارزش کند، چون همه کارها وقتی ارزشمند است که برای رضای خدا باشد نه خودنمایی ولی گناه نیست. اساسا بسیاری از مردم به یک یا برخی از مراتب ریا مبتلا هستند و این مقدار به ایمان یا اخلاص آنها ضرر نمی‌رساند.</b></p>
--

۱. اگر کسی عبادت را به خاطر مردم انجام دهد یا در ضمن عبادت قصدش این باشد که دیگران متوجه نماز و عبادت او شوند، ریا در عبادت حساب نمی‌شود. ریا در عبادت، سبب باطل شدن عبادت است اما اگر چنین قصدی نداشته باشد ریا نیست. در تعریف ریا بیان‌شده: «ریا، آن است که عمل را طوری انجام دهد که دیگران ببینند و از این طریق، کسب وجاهت و موفقیت برای عمل‌کننده حاصل شود.»<sup>(۱)</sup> به‌طور کلی به فرموده امیر المؤمنین(ع) ریاکار سه نشانه دارد: «اگر مردم او را ببینند پشیمان می‌شود (اعمال را با کیفیت بهتر انجام می‌دهد)، وقتی تنها شود کسالت او را فرامی‌گیرد (نسبت به اعمال بی‌ریغیت می‌شود)، دوست دارد در تمام کارها ستایش شود.»<sup>(۲)</sup>

هرکسی خودش باید بررسی کند و ببیند اگر یکی از این‌نشانه‌ها را عملاً داراست، ریاکار است و گرنه ریا نیست.

۲. آنچه مسلم است و اثرات فقهی مانند صحت و بطلان نماز دارد،

ریا در عبادات است؛ ریا در بقیه امور ممکن است کار را بی‌ارزش کند، چون همه کارها وقتی ارزشمند است که برای رضای خدا باشد نه خودنمایی ولی گناه نیست. اساسا بسیاری از مردم به یک یا برخی از مراتب ریا مبتلا هستند و این مقدار به ایمان یا اخلاص آنها ضرر نمی‌رساند. امام خمینی(ره) می‌فرماید: «نفس عامه مردم به‌حسب جبلت (سُرشت) مایل است که خیرات (و خوبی‌های) آنها پیش مردم ظاهر گردد، گرچه خیرات (و خوبی را آنان بقصد خودنمایی (و ظاهر شدن نکنند، ولی نفسشان مغفلور به این حُبّ و دوستی است (ذاتا این معنا را دوست دارد) این موجب بطلان عمل یا شرک و نفاق و کفر نیست.»<sup>(۳)</sup>

۳. در مورد خوشحال شدن از تشویق دیگران هم باید گفت؛ این اصلاً ریا نیست. در روایات هم به این مسئله اشاره شده است. زکراه می‌گوید: به حضرت امام محمدباقر(ع) عرض کردم: گاهی شخصی کار نیکی انجام می‌دهد و کار نیک او را دیگران می‌بینند و انجام‌دهنده کار نیک از اینکه دیگران او را می‌بینند، خوشحال می‌شود، (یا این کار او ریا شمرده می‌شود؟) فرمود: «اگر کار نیک را به‌قصد تعریف و تمجید انجام ندهد، عیبی ندارد، زیرا هیچ‌کس نیست مگر اینکه دوست دارد کارهای نیک او را دیگران ببینند.»<sup>(۴)</sup> بنابراین اصلاً فکر نکنید که تشویق دیگران به خاطر عمل خوب شما ریا است. تا وقتی که مشخص و آشکار شما نیت برای خودنمایی نداشته باشید رایبی مرتکب نشدید.

<p><b>طبق منابع معتبر، خوشحالی از تشویق و ستایش دیگران تا وقتی که نیت انسان نشان دادن عمل و خودنمایی نباشد ریا نیست.</b></p>
--

۴. در تأیید مطلب قبل باید گفت گاهی ریا کردن خیلی هم خوب است، گاهی جایز و بعضی‌اوقات واجب است، مثلاً کسی پایبند به نظافت لباس و آراستگی نیست ولی برای آنکه مردم او را پاکیزه و پاکلاس بدانند، به لباس و آراستگی رو می‌آورد یا وقتی می‌خواهد به مهمانی، مسجد، مدرسه و دانشگاه برود، به نظافت و آراستگی توجه می‌کند تا مردم از او خوششان بیایند و در آشنایی کتیف و بی‌اضطاب و زواییده نماند؛ که این‌گونه ریا مباح و جایز است و بلکه گاهی پسندیده است. حتی ریا در امور عبادی نیز استثنائاتی دارد و همیشه مبطل اعمال نیست، مثلاً انجام کار عبادی یا قرائت قرآن را علنی اظهار می‌کند و به شیوه مردم پیسنده می‌خواند تا سبب ترغیب مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان به عمل خیر و قرائت قرآن شود. در دل خود این کار را برای ترغیب مردم به دین و قرائت قرسان را جهت جلب رضای خدا انجام می‌دهد. در این صورت نه‌تنها اشکالی ندارد، بلکه پسندیده است.

۵. نکته نیکباری اینک ه‌سوسه‌های شیطان را با نیت واقعی ریایی اشتباه نگویید. در بسیاری اوقات انسان افکاری به ذهنش می‌آید، ولی افکار منفی است و خود انسان دوستانه ندارد یا بعدا به خودش نیکی می‌زند و افکار خودش در مورد ریا را نکوش می‌کند. این یکی از شگردهای شیطان است تا انسان را از اعمال خوب منصرف کند و بسه به‌دهانه ریا کم‌کم او را از جمعه و جاعت باز دارد، بنابراین حساسیت را کنار بگذارید و بدانید شما مرتکب ریا نمی‌شوید و تشویق دیگران هم ربطی به نیت ریایی ندارد. تلاش کنید با نیت خدایی بر اعمال خوبتان اصرار داشته باشید و پیشرفت معنوی نیز داشته باشید. **نتیجه:**

ریا انجام عمل عبادی به‌قصد نشان دادن به دیگران است. طبق منابع معتبر خوشحالی از تشویق و ستایش دیگران تا وقتی که نیت انسان نشان دادن عمل و خودنمایی نباشد ریا نیست. سوسه و توهم ریا را نیز باید کنار گذاشت. گاهی شیطان نیز با سوسه ریا انسان را از عمل خیر دور می‌کند.
۱. اساساً گاهی ریا جایز حتی گاهی ارزشمند است، بنابراین نگران ریا نباشید و با اخلاص و تقرب و اصرار بر کارهای خیرتان، خودتان را به خدا نزدیک‌تر کنید.
منابع برای مطالعه بیشتر:
- اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی.
- گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب.
- ریا و عجب، احمد فهری.
- نکتته‌های قرآنی درباره ریا، عبدالمعلی کامرانیان.
**پی‌نوشت‌ها:**
۱. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع)، قم، ۱۳۷۹ ش.
ج ۱، ص ۲۹۶.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش. ج ۲، ص ۲۹۵.
۳. امام خمینی، روح‌الله، جمل حدیث، حدیث دوم، موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی(ع)، ۱۳۷۶ ش. ص ۳۵.
۴. کافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۷

دنیا یکی از مراتب هستی و از تجلیات انوار اسمای الهی و مظاهر آن است؛ اما بر اساس آموزه‌های قرآن، دنیا که نزدیک‌ترین مراتب از عوامل هستی برای انسان است، محل هیبوط حضرت آدم(ع) و فرزندانش پس از فریب خوردن از ابلیس و اخراج از بهشت ابتدایی است. این بدان معناست که به نوعی انسان در دنیا در تبعید است و شکی نیست که شرایط تبعیدی بسیار سخت است به ویژه با حضور شیطان این دشمن سوگند خورده.

بنابراین، اصولاً انسان‌های خردمند و مؤمن به آخرت، به دنیا به دیده خانه ابدی نمی‌نگرند، بلکه آن را مسافر خانه‌ای بین راهی می‌بینند که باید چند صیاحی در آن به سر برند و سپس به سوی خانه ابدی خویش کوچ کنند؛ اما اکثریت مردم به سبب فریب و غرور شیطان و تزئین دنیا در دیدگان دل آنها، به دنیا گرایش می‌یابند و به دنیا و مسا قیها دل می‌بندند و مسافرخانه را خانه ابدی خویش می‌پندارند و کاری برای کوچ کردن نمی‌کنند تا جایی که وقتی به اجبار کوچ داده می‌شوند، پیوند که چیزی برای خانه ابدی خود فراهم نکرده‌اند، بلکه حاضر به جدا شدن از مسافرخانه دنیا نیستند و به اشکال گوناگون مقاومت می‌کنند.

اگر انسان باطن فریبنده دنیا را بشناسد، هرگز بدان دل نمی‌بندد و تمام تلاش خود را می‌کند تا به نسوی خانه ابدی برود، اما از آنجا که کوچ اختیاری وجود ندارد، در انتظار اجل حتمی خویش می‌ماند تا زمان کوچ برسد. این افراد بر این باورند که باید دنیا را همانند مرحله‌ای از سفر دید و از داده‌های نیک دنیوی برای خانه آخرت بهره‌بره؛ زیرا دنیا مزعه آخرت است.

بنابراین به جای تمسلی و کوتاهی در عمل صالح، تمام تلاش خود را برای بهره‌گیری از حسنات دنیوی جهت کسب حسنات اخروی به کار می‌برند تا از مهیبط و تبعیدگاه برای آخرت توره‌شهای مفید و سازنده به دست آورند و فریب زینت‌های دنیوی و سوسه‌های شیطان را نمی‌خورند؛ زیرا دنیا را گذرگاهی می‌دانند که باید همچون مسافری مدتی محدود در آن زندگی کرده و بهره‌ای برای آخرت فراهم آورند.(بقره، آیات ۲۶ تا ۲۸، اعراف، آیات ۲۴ تا ۲۷؛ طه، آیه ۱۲۳)

بسیاری از مردم گرفتار فریب دنیا و غرور ابلیس می‌شوند. آنان چنان مشغول به زینت‌های دنیوی می‌شوند که گویی بخشی از وجود آنان است؛ در حالی که اینها همگی زینت‌های دنیا یا زینت‌های زندگی دنیوی است؛ یعنی چیزهایی است که مسافرخانه

### معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

آنگاه که در راه

نسبتی میان افراد نیست؛ بلکه هر کسی خودش است با کارهای خوب و بدی که انجام داده و استفاده درست یا نادرستی که از زینت‌های مسافرخانه دنیا کرده است؛ زیرا در آخرت به تمام این کارها رسیدگی می‌شود تا معلوم شود چه کسی از زینت‌های مسافرخانه دنیا به درستی استفاده کرده یا نادرست بهره جسته است؛ چرا که کیفر و پاداش منوط به نحوه استفاده از آنهاست. پس اگر درست‌استفاده کرده باشد، برای خوش باقیات صالحات به آخرت برده و اگر نادرست استفاده کرده باشد، باید مجازات شود.(کهف، آیه ۲۶)

**آثار فریفتگی به دنیا**

خدا بارها در قرآن به انسان هشدار می‌دهد که مراقب فریب دنیا باشید تا آن را ملک خویش ندانید که هر کاری دلتان خواست انجام دهید و هر گونه تصرف درست و نادرست در آن داشته باشید؛ بلکه بدانید هر کاری می‌کنید باید پاسخگوی رفتار خود در مسافرخانه دنیا باشید که در دادگاه آخرت بدان رسیدگی می‌شود. اما انسان‌ها، بسیار گرفتار متاع غرور و فریابی دنیا شده و بسان دلخوش می‌کنند و این‌گونه پرونده زشتی از خود به آخرت می‌برند. (آل عمران، آیه ۱۸۵، حدید، آیه ۲۰)

از نظر قرآن، همین خوشبختانی که انسان در دنیا به آن دلگسته می‌شود، در قیامت به سبب فقدان نسبت خوشبختی(مؤمنون، آیه ۱۰۱) از یکدیگر می‌سوزند و هیچ کمکی به هم نمی‌کنند.(همان)بنابراین، باید به وعده الهی دل بست و به فریبکاری دنیا دل نزنست. (فاطر، آیه ۵)



خویش را بر مدار دین خدا قرار دهند که عقل فطری

# مسافر خانهای

# به نام دنیا

<p><b>ابودر اسرافیلی</b></p>
------------------------------

**تنها کسانی از فریب دنیا و سوسه‌های فریبای ابلیس در امان هستند که به خدا و آخرت و حسابرسی آن ایمان دارند و تلاش می‌کنند تا زندگی خویش را بر مدار دین خدا قرار دهند که عقل فطری و نقل وحیانی آن را بیان می‌کنند.**

برخی از آنها نیز زینت‌های است که برای مسافران فراهم شده است مانند نیت در این خوش باشن، دل‌خامی ندانند این زینت‌ها را که برای مسافر در زمان حضور در آن فراهم آمده یا خود ببرند؛ از این موارد می‌توان به اموال از زر و سیمس و جواهریابان و کشتزار و زن و فرزند اشاره کرد که امکانات فراهم آمده برای مسافر است و کسی نمی‌تواند آنها را با خود به خانه ابدی خویش ببرد. (آل عمران، آیه ۱۴؛ کهف، آیه ۴۶)

از همین رو در آخرت نه تنها کسی چیزی از این زینت‌ها با خود ندارد، بلکه حتی آن انتساب ظاهری میان انسان با زن و فرزند از میان می‌رود و هیچ علقه و

در فرهنگ قرآن، عقل به معنای فهمیدن، دریافت کردن و ادراک و فهم به کار رفته است. (سجاد، سید جعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کامی، ماده عقل) در روایات به معانی گوناگونی استعمال شده که یکی از معانی آن، قوه تشخیص و ادراک و ادراک بوده است؛ انسان به نیکی و صلاح می‌داندند و وی شر و فساد است. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱) در فرهنگ عربی عقل از واژه «عقلال» گرفته شده است؛ و «عقل» به معنای طنبایی است که با آن زانوی شتر سرکش را می‌بندند. به این دلیل به

<p><b>اگر کسی مدعی عقل باشد ولی خدانشناس و آخرت گرا نباشد و بر بند هواهای نفسانی و شهوات و فساد و ظلم و مانند آن باشد باید او را جاهل دانست؛ زیرا چنین شخصی از خرد و عقلایت هیچ بهره‌ای نبرده است و گرنه عقل به طور طبیعی به دین و اخلاق حکم می‌کند و چنان‌که در روایات معتبر بارها آمده است، دین و اخلاق(حیا) از لوازم ذاتی عقل است و هر جایی عقل حضور داشت دین و حیا و اخلاق هم در آنجا حضور دارد.</b></p>
--

عقل، عقل می‌گویند که این نیروی باطنی، شهوات و هواها و خواسته‌های شیطانی درون انسان را به بند می‌کشند و موجب منع و عساکر و باز ایستادن و نگهباری می‌شود. اینک هر‌بها عقلا را به این نام می‌خوانند، از آن روست که ایشان عاقل را فردی خود نگهدار و خوشبختندار می‌دانند، به گونه‌ای که پای رفتن خود را بسته و بدنبال هواهای نفسانی نمی‌رود و با اینکه هواهای نفسانی را از رفتن بازمی می‌دارد. اما اینکه چگونه عقل که به معنای بستن و اساک است، در ادراک و فهم عقلانی اطلاق می‌شود، باید گفت که چون پای هوای نفسانی بسته می‌شود، آن قوه مدرك انسانی که عقل است این امکان را می‌یابد تا بتواند حقایق را درک و فهم کند و بیرون از صف‌های نفسانی، کشف و شهودی داشته باشد.

از این رو در مدبرک انسان و قوه‌ای که به وسیله آن انسان بین خیر و شر و حق و باطل تمیز می‌دهد، عقل اطلاق می‌شود که در مقابل آن به اعتبارات گوناگون اصطلاحاتی چون جنون، سفاهت، حماقت و جهل قرار می‌گیرد.(نگاه کنید: مغزین، ج ۲، ص ۲۴۷)



آیه ۱۳۰) و با فحور و بی‌تقوایی رفتارهای زشت در دنیا انجام می‌دهند که در خلاف دین و سنت‌ها و قوانین الهی حاکم بر هستی است.(لقمان، آیه ۳۳) در حالی که مؤمنان به خدا که از قیامت و حسابرسی خدا ترس دارند، دنیا تقوا و عمل صالح می‌روند و از فجور اجتناب می‌کنند.(همان) در حقیقت تنها کسانی از فریب دنیا و سوسه‌های فریبای ابلیس در امان هستند که به خدا و آخرت و حسابرسی این ایمان دارند و تلاش می‌کنند تا زندگی



و نقل وحیانی آن را بیان می‌کند.(همان) البته از نظر قرآن، تنها کافران به خدا و قیامت و معاد نیستند که گرفتار فریب دنیا هستند و برای آخرت کاری نمی‌کنند، بلکه افزون بر کافران (همان)، هر کسی که به شکی در دام دنیا و زینت‌های آن می‌افتد و سرگرم به آن می‌شود، گرفتار فریفتگی دنیا و آثار آن خواهد شد.

بنابراین، حتی برخی از مدعیان اسلام و ایمان نیز گرفتار فریب دنیا می‌شوند و دین را در عمل بازیچه می‌گیرند و بر خلاف قوانین و سنت‌های الهی عمل می‌کنند و این‌گونه از آخرت و زندگی اخروی غافل می‌شوند.(انعام، آیه ۷۰)

کسانی که در دام فریب دنیا و کالای آن می‌افتند و به سوسه‌های فریبای ابلیس گوش جان می‌سپارند، گرفتار انواع مشکلات در دنیا و آخرت می‌شوند. فریفتگان دنیا و غرور ابلیسی، دین را بازیچه و لغوی می‌شمارند.(اعراف، آیه ۵۱)، و چنان غرق در آن می‌شوند که آخرت را به دست فراموشی می‌سپارند و مسافر خانه را خانه دالمنی خویش می‌شمارند و برای خانه آخرت و ملاقات با خدای حسابرس کاری نمی‌کنند.(همان)

کسانی که گرفتار فریفتگی دنیا می‌شوند، خود را از دین الهی دور نگه می‌دارند و با یردگی و بی‌اعتنایی نسبت به قوانین الهی و خطوط قرمز آن زندگی خویش را می‌سازند و به چیزهایی دلخوش می‌دارند که دنیا و آخرت سودی برای آنان ندارد؛ زیرا این افراد از ولایت و نصرت الهی و شفاعت شافعان محروم می‌شوند و دوستان گرمابه و گولستان خویش را از دست می‌دهند و آنان پریشان کاری نمی‌کنند در حالی که امید به آنها بسته‌اند.(انعام، آیه ۷۰)

فریفتگان به دنیا، از ولایت الهی و حزب‌الله خارج شده و در جرگه حزب شیطان در می‌آیند و لعن و نفرین الهی شامل حالشان می‌شود.(فاطر، آیات ۵ و ۶،انعام، آیه ۷۰)

بنابراین، به سبب فحسور و بی‌تقوایی و کارهای زشتی که در دنیا مرتکب می‌شوند و شیطنت‌هایی که دارند، عذاب عروج برای آنان خواهد بود و از بهشت و سعادت ابدی در آن محروم می‌شوند.

بنابراین، به سبب فحسور و بی‌تقوایی و کارهای زشتی که در دنیا مرتکب می‌شوند و شیطنت‌هایی که دارند، عذاب عروج برای آنان خواهد بود و از بهشت و سعادت ابدی در آن محروم می‌شوند.

بنابراین، به سبب فحسور و بی‌تقوایی و کارهای زشتی که در دنیا مرتکب می‌شوند و شیطنت‌هایی که دارند، عذاب عروج برای آنان خواهد بود و از بهشت و سعادت ابدی در آن محروم می‌شوند.

بنابراین، به سبب فحسور و بی‌تقوایی و کارهای زشتی که در دنیا مرتکب می‌شوند و شیطنت‌هایی که دارند، عذاب عروج برای آنان خواهد بود و از بهشت و سعادت ابدی در آن محروم می‌شوند.

بنابراین، به سبب فحسور و بی‌تقوایی و کارهای زشتی که در دنیا مرتکب می‌شوند و شیطنت‌هایی که دارند، عذاب عروج برای آنان خواهد بود و از بهشت و سعادت ابدی در آن محروم می‌شوند.

<p><b>اگر کسی مدعی عقل باشد ولی خدانشناس و آخرت گرا نباشد و بر بند هواهای نفسانی و شهوات و فساد و ظلم و مانند آن باشد باید او را جاهل دانست؛ زیرا چنین شخصی از خرد و عقلایت هیچ بهره‌ای نبرده است و گرنه عقل به طور طبیعی به دین و اخلاق حکم می‌کند و چنان‌که در روایات معتبر بارها آمده است، دین و اخلاق(حیا) از لوازم ذاتی عقل است و هر جایی عقل حضور داشت دین و حیا و اخلاق هم در آنجا حضور دارد.</b></p>
--

از این رو قرآن تنها از عقلی سخن به میان می‌آورد که به کار گرفته می‌شود و تنها از عقل در شکل افعال استفاده می‌کند و اگر بخواهد مفهوم عقل را بیان کند از واژگانی استفاده می‌کند که بیانگر عقل کاربردی است.

لذا واژگانی چون «حجج»، «فؤاد»، «فدغه»، «الایلب»، «النبی» و «الطبی» مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا وقتی عقل کاربردی شود فواید آن در شکل این واژگان و الفاظ خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر از نظر قرآن عقل بی‌نفسه موضوعیت ندارد مگر آنکه به کار گرفته شود، از این رو از تعقل به شکل فعلی چون: تعقلون، تعقلو، نقل و غیره استفاده می‌کند؛ پس عقل زمانی ارزش می‌یابد که در چارچوب اهداف و فلسفه آفرینش جهان وئسان باشد.

از همین رو در روایات آمده است:العقل ما عید به الزحمن وکتب به الجنان» عقل آن مردمانی است که خدای رحمان با آن عبادت می‌شود و بهشت با آن به دست می‌آید.(کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱، ج ۳) این همان عقل عملی است که حکمت عملی

تلاش می‌کند تا با گمراه کردن انسان و بنی آدم(ع) اجازه ندهد تا او در مقام خلافت قرار گیرد.

البته برخی خلافت را تنها بسه حضرت آدم(ع) نسبت می‌دهند، در حالی باید توجه داشت که اولاً خلافت امری عام برای بنی بشر است؛ ثانیاً اگر اختصاص به جنتگد می‌شود، ثانیاً دیگر ابلیس (آدم) دیگر خلیفهای نیست که با آن جنگنده؛ پس چون عداوت ابلیس با آدم(ع) و بنی آدم(ع) بر سر امر خلافت الهی انسان است، این خلافت برای بنی آدم(ع) اثبات می‌شود.

باید توجه داشت که حضرت آدم(ع) این خلیفه الهی، با اغوا و سوسه و سوگند دروغ ابلیس، فریفته شد و هیبوط کرد، در حالی که بنی بشر فراتر از هیبوط گرفتار سقوط می‌شوند؛ زیرا هیبوط خروج از ساحت قدس به دنیای ابتلا و شقاوت است که در آن شرایط زینتی سخت و دشوار است و ابتلاات گرسنگی و تشنگی و گرمزدگی و مانند آنها وجود دارد(طه، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۱)، اما در سقوط انسان از انسانیت به مرحله چارپایان و بستن از آن می‌افتد.(اعراف، آیه ۱۷۹) ابلیس برای آنکه بتواند به اهداف گمراه سازی و سقوط انسان برسد از همه ابزارهای فریبنده دنیوی برای فریب بهره می‌گیرد. او تلاش می‌کند تا اغواگری کند و سوسه نماید و دروغ و سوغندهای دروغین حتی به خدا و تلبیلات و سخنان فریبا و وحی شیطانی(اعراف، آیات ۲۰ تا ۲۷؛ بقره، آیات ۳۴ تا ۳۷، انعام، آیه ۱۱۲) مانند آنها، آثار را فریب دهد و از انسانیت ساقط کند. شیطان خود را در مقام ناصح جا می‌زند و چیزهای زیبارو و خبیث برای انسان را به عنوان عوامل رشد و تعالی و تکامل معرفی می‌کند تا انسان فریب بخورد و سقوط کند.(همان؛ طه، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳)

اصولاً شیاطین نسی و جنی از حزب شیطان همگی در خدمت او هستند تا با زیباسازی و آراسته کردن امور زشت به امور زیبا و فریبا انسان را در مسیر سقوط قرار دهند.(انعام، آیه ۱۱۲)

بنابراین نمی‌تواند حتی به‌سه موعوعان خود نیز بسادگی اعتماد کند و به سخنان فریبای آنان گوش دهد(همان)، بلکه لازم است تا هر چیزی را بر اساس موعوعان در چارچوب عقلایت بررسی کرد و با تفکر در امور، راه را از چاه شناخت و در مسیر حق و عدالت و کمال گام برداشت.

البته از نگاه قرآن، کید شیطان ضعیف است(نساء، آیه ۷۶) و او تنها استاد سوسه کردن است(ابراهیم، آیه ۲۲)، اما باید نسبت به کینه و دشمنی او شک و تردید نداشت و همواره از او اجتناب کرد و با استعاده به خدا از شرور شیطان و حزیش در امان ماند(یوسف، آیه ۲۳؛ اعراف، آیه ۲۰۰؛ فلق، آیات ۱ تا ۵ه ناس، آیات ۱ تا ۶)

در این راستا باید خدا خود عاملی است تا انسان بتواند از تماس شیطانی در امان بماند و نسبت به او و حزبش بصیرت یابد و از شرور آنان بیرون رود (اعراف، آیات ۲۰۰ و ۲۰۱)؛ زیرا شیطان جنی هیچ‌گونه سلطه‌ای بر انسان ندارد مگر اینکه خود انسان به او راه دهد.(نحل، آیات ۹۸ و ۹۹) پس کسانی گرفتار سلطه ابلیس جنی هستند که اهل ذکر الله و پناهجویی به خدا و توکل نباشند.(عافر، آیه ۵۶)

ابلیس مکار و فریبکار تلاش می‌کند تا به اشکال گوناگون میان انسان‌ها یا یکدیگر و خدا فاصله اندازد و با تحریک، آنان را از انسانیت و بندگی دور کند. (فصلت، آیه ۳۶)

اما انسان همان با استعاده به خداز؛ شرور فریبکاری و مکر ابلیس در امان خواهد ماند.(همان) البته دعا به درگاه خدا برای رهایی از انواع فریب‌های حزب شیطان از جن و انس مفیداست، چنان‌که حضرت یوسف(ع) این‌گونه نماز و مورد عنایت خدای شگوا و دانا گرفت.(یوسف، آیات ۳۳ و ۳۴)

خدا به انسان‌ها هشدار می‌دهد که شما نسبت به ابلیس و قبیله جنی او هیچ توانایی دیندارانید و آنان بیرون از دایره دیداری شما قرار دارند؛ در حالی است

<p><b>انسان‌های خردمند و مؤمن به آخرت، به دنیا به دیده خانه ابدی نمی‌نگرند، بلکه آن را مسافرخانه‌ای بین راهی می‌بینند که باید چند صباحی در آن به سر برند و سپس به سوی خانه ابدی خویش کوچ کنند؛ اما اکثریت مردم به سبب فریب و غرور شیطان و تزئین دنیا در دیدگان دل آنها، به دنیا گرایش می‌یابند و به دنیا و ما قیها دل می‌بندند و مسافرخانه را خانه ابدی خویش می‌پندارند و کاری برای کوچ کردن نمی‌کنند.</b></p>
--

لذا او را به سراغ میوه ممنوع فرستاد تا آن بچشد و زشتی‌هایش آشکار شود و بستری برای خروج از بهشت ابتدائی فراهم آید(اعراف، آیات ۲۰ تا ۲۲) و این‌گونه با خلاقیت او را بر هستی مخدوش سلاز؛ زیرا خلافت آدم(ع) هر چند که یک حکم الهی پس از تعلیم ابلیس به اموری تمسک کرد که از شرور او در امان ماند، یعنی از همه چیزهایی که بیش از آن بیان شد و شامل استعاده و توکل و تذکر و دعا و مانند آنها است.

یونس، آیه ۲۴، آخرت گرای(انعام، آیه ۳۲)، اجتناب از افترا به خدا(مانده، آیه ۱۰۳)، اجتناب از یلندی و خیانت(ماننده، آیه ۱۰۰)، اجتناب از جوهرستی و تمايلات نفسانی(فرقان، آیات ۴۳ و ۴۴)، احترام به پیامبر(ص) و پیشوایان دین و رعایت ادب به حضور انبیا(ع) و حضور ایشان(حجرات، آیه ۴)،ایمان به خدا و تصدیق آخرت و حقانیت دعوت پیامبران(اعراف، آیه ۱۶۹؛ یوسف، آیه ۱۰۹؛ مملک، آیات ۱۰ - تا ۱۰)؛ تصدیق حقانیت وحی و قرآن(انبیاء، آیه ۱۰؛ مؤمنون، آیه ۶۸)، تقویبشنگی و اجتناب از گناهان(طلاق، آیات ۸ و ۱۰، جهنم‌گریزی(ملک، آیات ۹ و ۱۰)، درس آموزی از آیات خدا(آل عمران، آیه ۱۱۸؛ یونس، آیات ۱۰۰ و ۱۰۱)،عبرت‌گیری(طه، آیه ۱۲۸)، درک و فهم حقایق چون زوال پذیری و ناپایداری امور در جهان(سج، آیه ۶۸)، وحدت گریایی واقعی در جامعه(حشر، آیه ۱۴) و مانند آنها که حوزه عقل نظری و عقل عملی را در عزم و فکر و عمل لازم است؛ پس به عنوان نشانه‌های خردمندی در شاخص‌های عقل و عقلایت معرفی می‌شود.

پس باید گفت که اگر کسی مدعی عقل باشد شیطان و فریب دهنده را گرفتار نکند و در بند هواهای نفسانی و شهوات و فساد و ظلم و مانند آن باشد یا بد او را جاهل دانست؛ زیرا چنین شخصی از خرد و عقلایت هیچ بهره‌ای نبرده است و گرنه عقل به طور طبیعی به دین و اخلاق حکم می‌کند و چنان‌که در روایات معتبر بارها آمده است، دین و اخلاق(حیا) از لوازم ذاتی عقل است و هر جایی عقل حضور داشت دین و حیا و اخلاق در آنجا حضور دارد.(اصول کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل)

<p><b>در روایات اسلامی، وقتی از عقل سخن به میان می‌آید در مقابل جهل قرار داده می‌شود. از نظر فرهنگ قرآنی و اسلامی، عقل زمانی ارزش دارد که به عنوان یک کاشف و ابزاری مفید استفاده و به کار گرفته شود. از این رو قرآن تنها از عقلی سخن به میان می‌آورد که به کار گرفته می‌شود و تنها از عقل در شکل افعال استفاده می‌کند و اگر بخواهد مفهوم عقل را بیان کند از واژگانی استفاده می‌کند که بیانگر عقل کاربردی است.</b></p>
---

مراجعه کنید: خداوند شاخصه‌هایی برای اعلان بیان کرده که اینها بهترین معیار و نشانه برای ارزیابی مفهوم عقل قرآنی نیز خواهد بود.

از نظر قرآن امسوری چون خدانشناسی (بقره، آیه ۱۶۴؛ آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱،

صفحه ۷

شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳

۷ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۸۵



<p><b>طلب آمرزش برای لذت غیر ذکر خدا</b></p>
--

**قال الامام السجاد(ع): «ستغفرک من کل لذة بغیر ذکرک.»**

امام سجاد(ع) فرمود: از هر لذتی جز لذت یاد تو، طلب آمرزش می‌کنم.<sup>(۱)</sup>



<p><b>ذکر عملی خدا بالاتر از ذکر لسانی</b></p>
--

امام علی(ع) می‌فرماید: یاد خدا بودن دو گونه است، یکی آنکه یاد او باشی و او را ستایش کنی، پس چه نیکو است و چه پاداش بزرگی دارد، و دوم آنکه به نزد آنچه حرام است یاد او باشی (و حرام را ترک کنی) که این گونه یاد خدا بودن بهتر از اولی است.<sup>(۲)</sup>

همچنین آن حضرت می‌فرماید: هرگز به حقیقت یاد خدا نمی‌رسی مگر آنکه خودت را فراموش کنی؛ و نفس و خودبینی را در کارت ناپود سازی.<sup>(۳)</sup>

۱- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۷.
۲- غرر‌الحکم، ص ۳۳۲

<p><b>پرسش و پاسخ</b></p>
---------------------------

## جایگاه ذکرالله و نقش آن در زندگی

**در زندگی ما انسان‌ها خدا چه جایگاهی دارد و نقش و کارکرد آن در رسیدن به آرامش و موفقیت در حیات فردی و اجتماعی ما چگونه است؟**

<p><b>جایگاه و اهمیت ذکر الله</b></p>
---------------------------------------

با نگاهی به آموزه‌های وحیانی اسلام به وضوح می‌توان به این نکته رسید که از منظر اسلام نه‌تنها هیچ‌چیز به اندازه یاد خدا از ارزش و اهمیت برخوردار نیست، بلکه تمام امور دیگر برای تسهیل توجه انسان به خدا می‌باشند. از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، سرچشمه قدرت روحی و معنوی برای انسان و یگانه عمل سعادت و کمال او، توجه به یاد خدا و اشتغال دائم به یاد اوست. همچنان که همه گرفتاری‌های انسان و حتی همه زایل اخلاقی و معایب روحی و امراض نفسانی ناشی از غفلت و فراموشی یاد خدا است.

<p><b>اعمال تقویت‌کننده ذکرالله</b></p>
---

در تعلیم عالیه اسلام موارد مشخصی وجود دارد که هر فرد مسلمانی باید در آنها به یاد خدا باشد،